

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکده اندیشه سیاسی، انقلاب و تمدن اسلامی
گروه انقلاب و تمدن اسلامی

رساله دکتری رشته انقلاب و تمدن اسلامی

**ساختار تمدن اسلامی در حوزه تشیع و تسنن (با تأکید بر فاطمیان و
عباسیان در قرن چهارم) و نسبت آن با سنت نبوی (ص)**

استادان راهنما:
دکتر محمدعلی مهدوی راد
دکتر محمود جنیدی جعفری

استاد مشاور:
مصطفی دلشادتهرانی

پژوهشگر:

حامد جوکار

شهریور ماه ۱۳۹۶

تصویر برگه ارزیابی

سپاس و تشکر

مپندار سعدی که راه صفا توان رفت جز بر پی مصطفی

بر خویش واجب و بایسته می‌دانم که سپاس‌گزار اساتید محترم و گرانقدر راهنما باشم که این پژوهش جز با راهنمایی و همراهی ایشان به سامان نمی‌آمد. جناب استاد **حجت‌الاسلام دکتر محمدعلی مهدوی‌راد** و جناب استاد **دکتر محمود جنیدی‌جعفری** که با وجود مشغله بسیار زحمت راهنمایی بنده را در مسیر انجام این پایان‌نامه به عهده گرفتند و با راهنمایی‌های خویش در انجام این پژوهش حامی من بوده‌اند، امیدوارم به لطف الهی و به عنایت رسول ختمی مرتبت، پیوسته سربلند و برقرار و از نعمت سلامت و صحت برخوردار باشند.

نیز بجا و سزا می‌بینم ممنون و قدردان یاری بی‌دریغ استاد مشاور بزرگوار؛ جناب استاد **مصطفی دلشادتهرانی** باشم. آنچه از سال‌ها پیش در کلاس درس یا نگاشته‌های استاد دلشادتهرانی شنیده و خوانده‌ام، نقشی مهم در نگارش این پژوهش داشته است. نیز آرزو مندم به توفیق الهی و مرحمت نبوی پیوسته تن‌درست و پر توفیق باشند.

به علاوه باید از زحمات و یاری‌های اساتید ارجمند پژوهشکده اندیشه سیاسی، انقلاب و تمدن اسلامی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، آقایان دکتر موسی نجفی، دکتر فرهاد زیویار و دکتر سیدرضا حسینی در طول دوره دکتری قدردانی نموده و هم کمک‌ها و همراهی‌های همه کارکنان محترم و دلسوز پژوهشگاه علوم انسانی را ارج نهم و برای یکایک آنان آرزوی بهروزی و سلامت کنم.

آخر اینکه؛ باید قدردان و سپاس‌گوی همسر عزیز و بزرگوارم باشم که با کمک، حمایت و صبر او مسیر تحصیلم هموار شد و این نوشتار فراهم آمد.

تقدیم به او که هرچه در وصفش بیافزایم
از قدرش کاسته‌ام؛ به استاد گرانمایه و
عزیزم؛ **استاد سید محمد حسینی نیا**

چکیده

مفهوم تمدن اسلامی از جمله مفاهیمی است که باعث بوجود آمدن بحث‌های فراوانی میان دانشمندان و صاحب‌نظران شده است. عده‌ای بر این باورند که آنچه به عنوان تمدن اسلامی از آن یاد می‌شود بر اساس اصول اسلامی بوده و این توصیف رواست و برخی بر این اندیشه تأکید می‌ورزند که نمی‌توان ارتباط معناداری میان این تمدن با اصول اسلامی یافت و بنابراین این تمدن را باید، تمدن مسلمانان دانست. هر یک از دو گروه یاد شده نیز دلایلی برای دیدگاه خویش ارائه می‌دهند.

در این نوشتار به منظور بررسی این موضوع، ابتدا سعی شده با بررسی و تحلیل سنت نبی اکرم(صلی الله علیه و آله) مؤلفه‌های تمدن ساز سنت ایشان استخراج و ذیل پنج بعد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی علمی و نظامی امنیتی دسته‌بندی شود. در ادامه با توصیف وضعیت و ساختارهای حکومت و جامعه اسلامی در ابعاد پنج‌گانه، میزان شباهت یا تفاوت آن با اصول موجود در سیره و سنت پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله) سنجیده می‌شود. در واقع در این رویکرد اصول مورد عمل پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله) به عنوان ملاک و محکی برای تعیین چگونگی رابطه دستاوردهای تمدنی مسلمانان با مبانی اصیل اسلامی در نظر گرفته شده‌اند. از آنجا که قرن چهارم به عنوان دوره اوج تمدن اسلامی شناخته می‌شود، بازه زمانی پژوهش تنها به همین دوره محدود شد. همچنین با توجه به اینکه در این دوره فاطمیان به عنوان حاکمان شیعه مذهب و عباسیان به عنوان حاکمان سنی مذهب داعیه‌دار حکومت اسلامی بوده‌اند، ابعاد پنج‌گانه هر کدام آنها به صورت جداگانه و با روش تحلیل مضمون مورد بررسی قرار گرفته تا روشن شود کدامیک را می‌توان نزدیک‌تر به سنت نبوی و در واقع اسلامی‌تر دانست

حاصل پژوهش اینکه تمدن اسلامی در قرن چهارم چه در حوزه فاطمیان و چه در حوزه عباسیان، شباهت اندکی با اصول موجود در سنت نبوی داشته و به همین دلیل بکار بردن تعبیر تمدن اسلامی را باید از روی تسامح و نه دقت دانست. همچنین باید توجه داشت که دستیابی به تمدن اسلامی صرفاً با توجه به وحدت جهان اسلام و مسلمانان ممکن است و غلبه رویکردهای مذهبی در این خصوص نتیجه‌ای در بر نخواهد داشت.

واژگان کلیدی: تمدن اسلامی، سنت نبوی، مؤلفه‌های تمدنی، تاریخ تمدن اسلامی، ساختار تمدن

اسلامی

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۱
۱. فصل نخست؛ کلیات پژوهش.....	۳
۱,۱. بیان مسئله.....	۴
۱,۲. اهمیت و ضرورت.....	۵
۱,۳. اهداف پژوهش.....	۶
۱,۴. قلمرو پژوهش.....	۶
۱,۵. پرسش‌های پژوهش.....	۷
۱,۵,۱. پرسش اصلی.....	۷
۱,۵,۲. پرسش‌های فرعی.....	۷
۱,۶. فرضیه‌های پژوهش.....	۷
۱,۶,۱. فرضیه اصلی.....	۷
۱,۶,۲. فرضیه‌های فرعی.....	۷
۱,۷. جنبه جدید بودن و نوآوری پژوهش.....	۸
۱,۸. تعارف و مفاهیم اصلی.....	۹
۱,۸,۱. تمدن.....	۹
۱,۸,۲. تمدن اسلامی.....	۱۰
۱,۸,۳. سنت نبوی.....	۱۰
۲. فصل دوم؛ روش‌شناسی تحقیق.....	۱۲
۲,۱. تعریف تحلیل مضمون.....	۱۴
۲,۲. چستی مضمون.....	۱۵
۲,۳. شناخت مضمون.....	۱۵
۲,۴. ابزارها و روش‌های تحلیل مضمون.....	۱۶
۲,۴,۱. کاربرد نرم‌افزارهای رایانه‌ای در تحلیل مضمون.....	۱۶
۲,۴,۲. شیوه میلز و هابرمز یا ماتریس مضامین.....	۱۷
۲,۴,۳. قالب مضامین.....	۱۸
۲,۴,۴. شیوه ولکات.....	۱۸
۲,۴,۵. شیوه استربرگ.....	۱۸
۲,۴,۶. شبکه مضامین.....	۱۹
۲,۵. فرایند گام‌به‌گام تحلیل مضمون در پژوهش حاضر.....	۱۹

۲۰	گردآوری داده‌ها، ایجاد کدهای اولیه و کدگذاری	۲,۵,۱
۲۲	جست‌وجو و شناخت مضامین	۲,۵,۲
۲۲	ترسیم شبکه مضامین	۲,۵,۳
۲۵	تحلیل شبکه مضامین	۲,۵,۴
۲۵	تدوین گزارش	۲,۵,۵
۲۵	مزایا و معایب تحلیل مضمون	۲,۶
۲۶	روش کدگذاری، فهم و تحلیل متن	۲,۷
۲۸	۳. فصل سوم؛ مروری بر ادبیات پژوهش	
۲۹	۳,۱. پیشینه پژوهش	
۲۹	۳,۱,۱. پیشینه عام	
۳۱	۳,۱,۲. پیشینه خاص	
۳۷	۳,۲. بررسی مباحث نظری و تئوری‌های علمی	
۳۷	۳,۲,۱. مفهوم ساختار	
۴۱	۳,۲,۲. مفهوم برگزیده ساختار	
۴۴	۴. فصل چهارم؛ یافته‌های پژوهش	
۴۵	۴,۱. گفتار اول؛ مؤلفه‌های تمدن‌ساز در سنت نبوی	
۴۸	۴,۱,۱. مؤلفه‌های بعد سیاسی	
۴۹	۴,۱,۱,۱. ایجاد امت واحده اسلامی	
۵۱	۴,۱,۱,۲. تاکید بر امامت	
۵۱	۴,۱,۱,۳. مدارا و رفق	
۵۴	۴,۱,۱,۴. عطف و مهربانی با دشمنان	
۵۵	۴,۱,۱,۵. مشورت و پرهیز از خود رأیی	
۵۶	۴,۱,۱,۶. قانون مداری در امر حکومت	
۵۷	۴,۱,۱,۷. آزادی بیان	
۵۸	۴,۱,۱,۸. پایبندی به عهد و پیمان	
۶۰	۴,۱,۱,۹. برخورد قاطعانه با تخلفات عوامل حکومت	
۶۲	۴,۱,۲. مؤلفه‌های بعد اقتصادی	
۶۳	۴,۱,۲,۱. منابع مالی حکومت نبوی	
۶۴	۴,۱,۲,۱,۱. خمس غنائم	
۶۴	۴,۱,۲,۱,۲. خراج (مالیات بر زمین)	
۶۵	۴,۱,۲,۱,۳. جزیه (مالیات سرانه)	
۶۵	۴,۱,۲,۱,۴. زکات (مالیات صدقه)	
۶۵	۴,۱,۲,۲. اهتمام به کار و تاکید بر امر اشتغال	

۶۸.....	ترغیب به تولید به ویژه کشاورزی.....	۴,۱,۲,۳
۷۰.....	مبارزه با فقر و اصلاح رویکرد دنیوی.....	۴,۱,۲,۴
۷۱.....	ساده‌زیستی، مبارزه با اشرافیت و امتیازخواهی.....	۴,۱,۲,۵
۷۴.....	تقسیم بیت المال بر اساس نیازهای واقعی نه برتری نژادی و قبیله‌ای.....	۴,۱,۲,۶
۷۶.....	عدالت اقتصادی.....	۴,۱,۲,۷
۷۹.....	حاکمیت مبانی دینی بر کنش‌های اقتصادی.....	۴,۱,۲,۸
۸۲.....	مؤلفه‌های بعد اجتماعی.....	۴,۱,۳
۸۴.....	احترام به سنت‌ها و قراردادهای اجتماعی غیر منافی با مبانی دینی.....	۴,۱,۳,۱
۸۵.....	عدالت اجتماعی.....	۴,۱,۳,۲
۸۶.....	مفهوم عدالت.....	۴,۱,۳,۲,۱
۸۶.....	معنای لغوی و اصطلاحی عدالت.....	۴,۱,۳,۲,۲
۸۷.....	پافشاری پیامبر درباره عدالت مداری کارگزاران.....	۴,۱,۳,۲,۳
۸۸.....	مقاومت پیامبر(صلی الله علیه و آله) در برابر تبعیض طبقاتی.....	۴,۱,۳,۲,۴
۹۲.....	پاسداشت حقوق اقلیت‌ها.....	۴,۱,۳,۳
۹۴.....	مبارزه با تبعیض در اجرای قانون.....	۴,۱,۳,۴
۹۶.....	اصل برادری و اخوت.....	۴,۱,۳,۵
۱۰۱.....	توجه به حقوق شهروندی.....	۴,۱,۳,۶
۱۰۱.....	معنای اصطلاحی شهروند.....	۴,۱,۳,۶,۱
۱۰۲.....	مفهوم شهروندی در اسلام.....	۴,۱,۳,۶,۲
۱۰۳.....	رعایت در لغت.....	۴,۱,۳,۶,۲,۱
۱۰۳.....	رعایت در سیره نبوی و روایات.....	۴,۱,۳,۶,۲,۲
۱۰۴.....	مفهوم رعیت.....	۴,۱,۳,۶,۲,۳
۱۰۸.....	نمونه‌هایی از حقوق شهروندی در نگاه پیامبر(صلی الله علیه و آله).....	۴,۱,۳,۶,۳
۱۰۸.....	همسانی با زمامداران.....	۴,۱,۳,۶,۳,۱
۱۱۰.....	حق نظارت بر حاکمان.....	۴,۱,۳,۶,۳,۲
۱۱۱.....	برخورداري آزادی‌های اجتماعی سیاسی.....	۴,۱,۳,۶,۳,۳
۱۱۵.....	مؤلفه‌های بعد فرهنگی علمی.....	۴,۱,۴
۱۱۷.....	اصل تسامح و تساهل.....	۴,۱,۴,۱
۱۲۱.....	اصل تعاون و هم‌یاری.....	۴,۱,۴,۲
۱۲۵.....	اصل نظم‌پذیری و جدیت.....	۴,۱,۴,۳
۱۲۷.....	تشویق به علم‌آموزی و احترام به تخصص.....	۴,۱,۴,۴
۱۳۲.....	اولویت تبیین دین و محوریت قرآن.....	۴,۱,۴,۵
۱۳۸.....	مؤلفه‌های بعد نظامی امنیتی.....	۴,۱,۵
۱۴۰.....	اصالت صلح و عدم اصالت جنگ در سیره نبوی.....	۴,۱,۵,۱

دعوت قبل از جنگ.....	۴,۱,۵,۲.	۱۴۰
آغاز نکردن جنگ.....	۴,۱,۵,۳.	۱۴۲
رعایت حدود الهی.....	۴,۱,۵,۴.	۱۴۳
احترام به عهد و پیمان با دشمن.....	۴,۱,۵,۵.	۱۴۶
رعایت اصول انسانی.....	۴,۱,۵,۶.	۱۴۷
مهربانی و ملاطفت با اسیران.....	۴,۱,۵,۶,۱.	۱۴۷
پرهیز از خشونت.....	۴,۱,۵,۶,۲.	۱۵۰
عدم تعرض به زنان و غیرنظامیان.....	۴,۱,۵,۶,۳.	۱۵۲
عدم استعانت از مشرک.....	۴,۱,۵,۷.	۱۵۳
حضور اختیاری در جنگ.....	۴,۱,۵,۸.	۱۵۴
مقدم داشتن خود و خانواده.....	۴,۱,۵,۹.	۱۵۵
رعایت تساوی میان گروه‌ها.....	۴,۱,۵,۱۰.	۱۵۵
هوشیاری در عین ترحم و گذشت.....	۴,۱,۵,۱۱.	۱۵۶
اقدام به عملیات اطلاعاتی در میان دشمنان.....	۴,۱,۵,۱۲.	۱۵۶
پرهیز از تنش‌های بی‌دلیل.....	۴,۱,۵,۱۳.	۱۵۸
۴,۲. گفتار دوم؛ ساختار تمدن فاطمیان در قرن چهارم.....		۱۶۱
مؤلفه‌های ساختار سیاسی فاطمیان.....	۴,۲,۱.	۱۶۷
توجه نسبی به وحدت اسلامی.....	۴,۲,۱,۱.	۱۶۸
رابطه حمدانیان و فاطمیان.....	۴,۲,۱,۱,۱.	۱۶۹
روابط آل‌بویه و فاطمیان.....	۴,۲,۱,۱,۲.	۱۷۰
تاکید بر جانشینی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و امامت از نسل اهل‌بیت(ع)....	۴,۲,۱,۲.	۱۷۳
مدارای نسبی با مخالفان.....	۴,۲,۱,۳.	۱۷۴
عدم تمایل به مشورت و شورا.....	۴,۲,۱,۴.	۱۷۸
بهره‌برداری از نارضایتی سیاسی مصریان.....	۴,۲,۱,۵.	۱۷۸
ساختار سازی جدید.....	۴,۲,۱,۶.	۱۷۹
تفرقه و اختلاف داخلی.....	۴,۲,۱,۷.	۱۸۰
مؤلفه‌های ساختار اقتصادی فاطمیان.....	۴,۲,۲.	۱۸۲
منابع مالی دولت فاطمیان.....	۴,۲,۲,۱.	۱۸۴
توجه به کشاورزی.....	۴,۲,۲,۱,۱.	۱۸۴
رونق تجارت و بازرگانی از طریق ایجاد امنیت.....	۴,۲,۲,۱,۲.	۱۸۵
صنعت.....	۴,۲,۲,۱,۳.	۱۸۵
مالیات.....	۴,۲,۲,۱,۴.	۱۸۶
خراج.....	۴,۲,۲,۱,۵.	۱۸۶
جزیه (جالیه).....	۴,۲,۲,۱,۶.	۱۸۷

..... ۱۸۷	 خمس رومی	 ۴,۲,۲,۱,۷
..... ۱۸۸	 احتکار	 ۴,۲,۲,۱,۸
..... ۱۸۸	 مصادره اموال	 ۴,۲,۲,۱,۹
..... ۱۸۸	 زکات	 ۴,۲,۲,۱,۱۰
..... ۱۸۸	 رباع	 ۴,۲,۲,۱,۱۱
..... ۱۸۹	 موقوفات	 ۴,۲,۲,۱,۱۲
..... ۱۹۰	 عدالت اقتصادی نسبی	 ۴,۲,۲,۲
..... ۱۹۱	 دنیاگرایی و توجه به تجملات	 ۴,۲,۲,۳
..... ۱۹۱	 حاکمیت تدبیر بر امور اقتصادی	 ۴,۲,۲,۴
..... ۱۹۳	 مؤلفه‌های ساختار اجتماعی فاطمیان	 ۴,۲,۳
..... ۱۹۴	 احترام نسبی به سنت‌های غیر منافی با مذهب	 ۴,۲,۳,۱
..... ۱۹۶	 عدالت اجتماعی نسبی	 ۴,۲,۳,۲
..... ۱۹۷	 توجه نسبی به اصل برادری و اخوت	 ۴,۲,۳,۳
..... ۱۹۸	 احترام نسبی به زنان	 ۴,۲,۳,۴
..... ۱۹۹	 توجه به اقبال اجتماعی مردم	 ۴,۲,۳,۵
..... ۲۰۳	 بهره‌مندی از ابزار دین برای اداره امور اجتماعی	 ۴,۲,۳,۶
..... ۲۰۵	 مؤلفه‌های ساختار فرهنگی علمی فاطمیان	 ۴,۲,۴
..... ۲۰۷	 بسط نگاه قدسی به امام در حوزه اعمال حکومت	 ۴,۲,۴,۱
..... ۲۰۸	 اعتدال نسبی در اندیشه و رفتار	 ۴,۲,۴,۲
..... ۲۰۹	 گسترش فرهنگ علم دوستی	 ۴,۲,۴,۳
..... ۲۰۹	 مسجد	 ۴,۲,۴,۳,۱
..... ۲۱۱	 قصر حاکم	 ۴,۲,۴,۳,۲
..... ۲۱۱	 منازل علما	 ۴,۲,۴,۳,۳
..... ۲۱۲	 دارالعلم‌ها و کتابخانه‌ها	 ۴,۲,۴,۳,۴
..... ۲۱۴	 ایجاد انجمن‌های گفتگو و مناظره علمی و مجالس الحکمه	 ۴,۲,۴,۳,۵
..... ۲۱۵	 تأکید بر گسترش مذهب اسماعیلی	 ۴,۲,۴,۴
..... ۲۱۶	 توجه نسبی به قرآن در تبلیغ	 ۴,۲,۴,۵
..... ۲۱۷	 رواج خوشگذرانی و سرگرمی‌های گوناگون	 ۴,۲,۴,۶
..... ۲۱۸	 مؤلفه‌های ساختار نظامی امنیتی فاطمیان	 ۴,۲,۵
..... ۲۲۱	 توجه ویژه به نیروی دریایی به عنوان ابزار کشورگشایی	 ۴,۲,۵,۱
..... ۲۲۱	 کمک گرفتن از قبایل، نژادها و ادیان دیگر در امور نظامی	 ۴,۲,۵,۲
..... ۲۲۲	 استفاده بی‌محابا از قدرت نظامی	 ۴,۲,۵,۳
..... ۲۲۲	 جنگ با مسلمانان و قساوت و بی‌رحمی در جنگ	 ۴,۲,۵,۴
..... ۲۲۳	 ایجاد سازمان خبرگیری و توجه به جاسوسی	 ۴,۲,۵,۵

۲۲۵	 گفتار سوم؛ ساختار تمدن عباسیان در قرن چهارم	۴,۳
۲۳۱	 مؤلفه‌های ساختار سیاسی عباسیان	۴,۳,۱
۲۳۳	 ضعف رهبری واحد و عدم یکپارچگی	۴,۳,۱,۱
۲۳۵	 تنزل خلافت اسلامی به سلطنت دنیایی	۴,۳,۱,۲
۲۳۸	 فاصله گرفتن از مردم	۴,۳,۱,۳
۲۳۸	 سعی در ایجاد تفرقه میان حکومت‌های مستقل	۴,۳,۱,۴
۲۴۰	 مؤلفه‌های ساختار اقتصادی عباسیان	۴,۳,۲
۲۴۱	 منابع مالی خلافت عباسیان	۴,۳,۲,۱
۲۴۳	 اتکای به کشاورزی و عدم ثبات اقتصادی	۴,۳,۲,۲
۲۴۴	 بی‌ثباتی کسب و کار و ناامنی اقتصادی	۴,۳,۲,۳
۲۴۶	 اتخاذ سیاست‌های اقتصادی متناقض	۴,۳,۲,۴
۲۴۷	 کاهش شدید درآمدها و افزایش سرسام‌آور هزینه‌های نظامی	۴,۳,۲,۵
۲۴۷	 دنیاگرایی و توجه به تجملات	۴,۳,۲,۶
۲۴۸	 تأمین هزینه‌های حکومت با اعمال زور و خشونت	۴,۳,۲,۷
۲۵۰	 مؤلفه‌های ساختار اجتماعی عباسیان	۴,۳,۳
۲۵۱	 گسترش تشیع در قلمرو اسلامی و مرزبندی میان جامعه شیعی و اهل سنت	۴,۳,۳,۱
۲۵۲	 ارائه خدمات اجتماعی	۴,۳,۳,۲
۲۵۴	 شکل‌گیری طبقات اجتماعی	۴,۳,۳,۳
۲۵۵	 مدارای نسبی با غیرمسلمانان	۴,۳,۳,۴
۲۵۸	 تعصب و درگیری مذهبی میان مسلمانان	۴,۳,۳,۵
۲۶۴	 مؤلفه‌های ساختار فرهنگی علمی عباسیان	۴,۳,۴
۲۶۷	 ایجاد فضای تعامل و گفتگوی علمی	۴,۳,۴,۱
۲۶۸	 رواج جریان‌های فکری گوناگون	۴,۳,۴,۲
۲۷۰	 توجه ویژه به دانش فقه	۴,۳,۴,۳
۲۷۱	 مبارزه فرهنگی با فاطمیان	۴,۳,۴,۴
۲۷۴	 شکل‌گیری جریان دانش اندوزی و شکوفایی علمی	۴,۳,۴,۵
۲۷۶	 توجه ویژه به مکه و مدینه	۴,۳,۴,۶
۲۷۷	 غلبه رویکردهای مذهبی و تفرقه انگیز بر تبلیغات دینی	۴,۳,۴,۷
۲۷۸	 رواج خوشگذرانی و تفریحات گوناگون	۴,۳,۴,۸
۲۸۰	 مؤلفه‌های ساختار نظامی امنیتی عباسیان	۴,۳,۵
۲۸۱	 قدرت‌گیری نظامیان و نافرمانی گاه به گاه	۴,۳,۵,۱
۲۸۲	 حرفه‌ای شدن ارتشیان و نظامیان	۴,۳,۵,۲
۲۸۳	 جنگ به مثابه منبع درآمد	۴,۳,۵,۳
۲۸۳	 ناامنی مرزها و حملات مکرر رومیان	۴,۳,۵,۴

۲۸۴	توجه به شبکه جاسوسی و خبرگیری	۴,۳,۵,۵
۲۸۷	۵. فصل پنجم؛ بحث و نتیجه‌گیری	
۲۸۹	۵,۱. بعد سیاسی	
۲۹۰	۵,۱,۱. مقایسه با سنت نبوی	
۲۹۱	۵,۲. بعد اقتصادی	
۲۹۱	۵,۲,۱. مقایسه با سنت نبوی	
۲۹۳	۵,۳. بعد اجتماعی	
۲۹۳	۵,۳,۱. مقایسه با سنت نبوی	
۲۹۵	۵,۴. بعد فرهنگی علمی	
۲۹۶	۵,۴,۱. مقایسه با سنت نبوی	
۲۹۷	۵,۵. بعد نظامی امنیتی	
۲۹۷	۵,۵,۱. مقایسه با سنت نبوی	
۳۰۰	۵,۶. ارزیابی فرضیه‌ها	
۳۰۲	۵,۷. نظریه نهایی	
۳۰۳	۵,۸. محدودیت‌های پژوهش	
۳۰۴	۵,۹. پیشنهادات	
۳۰۵	فهرست منابع و مآخذ	

فهرست جدول‌ها

جدول ۱-۲: مفاهیم به دست آمده و کدهای اختصاص یافته درباره مؤلفه‌های تمدن‌ساز سنت نبوی	۲۱
نمودار ۱-۲: شبکه مضامین ابعاد پنج‌گانه و مؤلفه‌های تمدن‌ساز سنت نبوی	۲۴
جدول ۱-۴: مؤلفه‌های تمدن‌ساز سنت نبوی در ابعاد پنج‌گانه	۱۵۰
جدول ۲-۴: اسامی خلفای فاطمی و دوره حکومت آنان	۱۵۷
جدول ۳-۴: مؤلفه‌های تمدنی خلافت فاطمیان در ابعاد پنج‌گانه	۲۱۶
جدول ۴-۴: اسامی خلفای عباسی و دوره حکومت آنان	۲۱۹
جدول ۵-۴: مؤلفه‌های تمدنی خلافت عباسیان در ابعاد پنج‌گانه	۲۷۷
جدول ۱-۵: مقایسه مؤلفه‌های بعد سیاسی	۲۸۱
جدول ۲-۵: مقایسه مؤلفه‌های بعد اقتصادی	۲۸۳
جدول ۳-۵: مقایسه مؤلفه‌های بعد اجتماعی	۲۸۵
جدول ۴-۵: مقایسه مؤلفه‌های بعد فرهنگی علمی	۲۸۷
جدول ۵-۵: مقایسه مؤلفه‌های بعد نظامی امنیتی	۲۹۰

پیشگفتار

تمدن اسلامی و دیدگاه‌های مرتبط با آن ذهن و زبان اندیشمندان و نویسندگان بسیاری را اعم از مسلمان و غیر مسلمان به خویش معطوف داشته است. آثار فراوان و نگاشته‌های پرشمار موجود در این زمینه گواه اهمیت این موضوع و جایگاه آن در مباحث علمی است. با توجه به گستردگی و چند بعدی بودن مفهوم تمدن به معنای عام و مفهوم تمدن اسلامی به معنای خاص هر نویسنده و محقق از زاویه‌نگاهی خاص به این موضوع نگریسته و تمدن اسلامی را مورد کنکاش قرار داده است. حاصل این تعدد نگاه، نظریات و دیدگاه‌های بسیار و گاه حتی متضاد است. از جمله آنها می‌توان به اختلاف برخی دانشمندان و محققان در مورد تفاوت میان تعبیر تمدن اسلامی و تمدن مسلمانان اشاره کرد. توضیح آنکه گروهی بر این باورند که تمدن مورد نظر را، از آنجا که ساخته و پرداخته اسلام است و در شکل‌گیری آن اصول اسلامی نقش اصلی و عمده را بر عهده داشته، باید تمدن اسلامی دانست. در مقابل برخی نیز معتقدند تمدن مورد بحث حاصل اندیشه‌ها و افکار مسلمانان است، اندیشه و افکاری که نمی‌توان میان آنها با اصول اسلامی تطابق کامل برقرار نمود و بنابراین تمدن حاصل از تلاش مسلمانان را باید تمدن مسلمانان دانست نه تمدن اسلامی.

به نظر می‌رسد یکی از راهکارهای مهم و قابل توجه برای پاسخ به این پرسش، بررسی نسبت میان آنچه به عنوان تمدن اسلامی شناخته می‌شود، با اصول حقیقی اسلام ناب است. طبیعتاً اگر در پی این بررسی به این نتیجه برسیم که نسبت میان این دو کاملاً روشن و قابل رهگیری و استدلال است، می‌توان ادعا کرد توصیف تمدن به صفت اسلامی توصیفی دقیق و حقیقی است. برای این منظور نیز بررسی میزان شباهت یا تفاوت ساختارهای حاکم بر تمدن اسلامی با آنچه در سیره و سنت نبوی جریان داشته و مورد عمل بوده بسیار راهگشا خواهد بود. چه بی‌تردید عملکرد رسول‌گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) که در سنت نورانی ایشان انعکاس یافته و از طریق منابع گوناگون موجود در زمینه سیره شناسی به ما رسیده، منطبق بر حقیقت اسلام و بازتاب قرآن کریم در ساحت عمل است و سنت ایشان معیاری است که با کشف چگونگی نسبت میان رفتارهای مسلمانان با آن می‌توان به اسلامی یا غیر اسلامی بودن این رفتارها حکم کرد. این جایگاه معیار و ملاک بودن سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) از این جهت که ایشان در دوره حضور در مدینه در مقام حاکم اسلام به اداره امور جامعه بر اساس دین اسلام پرداختند و نخستین و کامل‌ترین نمونه حکومت مورد نظر اسلام را سامان دادند، در خصوص ساختارهای تمدنی که امری فراتر از رفتارهای شخصی و موردی است، هم صدق می‌کند.

بر این اساس پژوهش حاضر بر آن است تا ضمن مقایسه تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، که از آن با عنوان دوره اوج و شکوفایی تمدن اسلامی نیز یاد می‌شود، با سنت نبوی، نسبت میان این تمدن با سنت پیامبر را تبیین و از این رهگذر در خصوص اختصاص صفت اسلامی به آن به نتیجه‌ای روشن و قابل اتکاء دست یابد. این مقایسه اما با توجه به فاصله چند صد ساله میان این دو موضوع و دگرگونی‌ها و پیچیدگی‌های بوجود آمده در قرن چهارم و وجود این دخل مقدر که حکومت نبوی در مدینه بسیار بسیط و ساده بوده و حکومت اسلامی در قرن چهارم دچار پیچیدگی‌های فراوان شده و قیاس این دو موضوع مع الفارق و نارواست، کاری دشوار و مسیری پر نشیب و فراز می‌نمود. به همین دلیل و برای بوجود آوردن زمینه مقایسه ضمن بررسی تعاریف گوناگون مفهوم تمدن، سعی شد با تجمیع تعاریف گوناگون و محدود

نمودن آنها در پنج تعریف، با تأکید بر مفهوم ساختار که مفهومی رایج و متداول در علوم اجتماعی است، این مقایسه انجام شود. در قرن چهارم هجری جهان اسلام از جهت حاکمیت به صورت کلی تحت حاکمیت دو جریان عباسیان به عنوان حاکمانی با مذهب اهل سنت و فاطمیان به عنوان شیعیان زیدی، بود. به همین دلیل برای کشف اینکه آیا این دو گروه در اثر نگرش‌های مذهبی، شباهت یا تفاوت معناداری با سنت نبوی دارند، ساختارهای به دست آمده از تعاریف تمدن به صورت جداگانه در مورد هر کدام کاویده شد. موضوع دیگر بررسی این نکته بود که آیا می‌توان تفاوت معناداری میان ساختارهای تمدنی حکومت‌های شیعی با حکومت‌های اهل سنت یافت و می‌توان ادعا کرد تمدن اسلامی بر اساس کدام گرایش مذهبی به سنت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) نزدیک‌تر بوده است؟ برای بررسی هر یک از ساختارهای پنج گانه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی علمی و نظامی امنیتی که از تعاریف مختلف تمدن به دست آمده بود، ضمن مطالعه منابع گوناگون مؤلفه‌های به دست آمده با روش تحلیل مضمون ذیل هر ساختار دسته‌بندی شد.

این پژوهش به شیوه مآلوف پژوهش‌های دانشگاهی، در پنج فصل به سامان آمد. در فصل نخست به کلیات پژوهش پرداخته شد و مطالبی مانند تعریف مسئله، ضرورت پژوهش، فرضیه‌ها، تعاریف مهم و ... ذیل آن جای گرفت. فصل دوم به روش پژوهش اختصاص یافت. در فصل سوم ابتدا پیشینه پژوهش بررسی شد و ضمن معرفی مختصر مهمترین کتاب‌ها و منابع مرتبط با موضوع، تفاوت‌های پژوهش حاضر با آنها مورد اشاره قرار گرفت. در بخش دیگر این فصل ضمن بررسی کلی مباحث نظری مرتبط با مفهوم ساختار و تبیین‌های صورت گرفته از آن، دیدگاه مطلوب این پژوهش از تعبیر ساختار تبیین شد.

فصل چهارم حاوی اطلاعات و یافته‌های این پژوهش است. در این فصل و در قالب سه گفتار اطلاعات گردآوری شده منظم و تحلیل و پردازش شد. گفتار نخست به مؤلفه‌های تمدن ساز در سنت نبوی اختصاص یافت. در این گفتار مؤلفه‌های تمدن ساز به دست آمده از تحلیل منابع ذیل ابعاد پنج‌گانه پیش گفته، مرتب و تحلیل شد. عنوان گفتار دوم این فصل ساختار تمدن فاطمیان در قرن چهارم است که در آن مؤلفه‌های به دست آمده از ساختارهای فاطمیان ارائه و تحلیل شد. در سومین گفتار این فصل نیز ذیل عنوان ساختار تمدن عباسیان در قرن چهارم، مؤلفه‌های خلافت عباسیان در قرن چهارم پس از تنظیم در قالب ساختارهای تعیین شده، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. ذکر این نکته ضروری است که با توجه به روش این پژوهش، مؤلفه‌های به دست آمده ذیل هر ساختار در مورد سنت نبوی، خلافت فاطمیان و خلافت عباسیان در اغلب موارد متناظر نیست. این عدم تناظر مؤلفه‌ها در عین یکسان بودن تعداد ساختارها علاوه بر روش انتخابی نتیجه رویکرد توصیفی پژوهش در این مرحله است.

در فصل پنجم و آخر نیز تفسیر و نتیجه‌گیری از اطلاعات به دست داده، محور اصلی است. در این فصل با تکیه بر مطالب فصل چهارم علاوه بر مقایسه جداگانه هر یک از خلافت فاطمیان و عباسیان بر اساس ساختارهای مختلف، پس از مقایسه این دو حکومت در هر یک از ساختارها، نسبت آنها با سنت نبوی نیز سنجیده شد.

۱. فصل نخست؛

کلیات پژوهش

۱,۱. بیان مسئله

تا کنون راجع به تمدن اسلامی و تاریخ فراز و فرود آن کتاب‌ها و مقالات بسیاری به رشته تحریر درآمده و بحث‌های بسیاری صورت گرفته است. هر نویسنده و محقق از زاویه نگاهی خاص به این موضوع نگریسته و تمدن اسلامی را مورد کنکاش قرار داده است. از جمله این بحث‌ها اختلاف برخی دانشمندان و محققان در مورد تفاوت میان تعبیر تمدن اسلامی و تمدن مسلمانان است. گروهی بر این باورند که تمدن مورد نظر را، از آنجا که ساخته و پرداخته اسلام است و در شکل‌گیری آن اصول اسلامی نقش اصلی و عمده را بر عهده داشته، باید تمدن اسلامی دانست. در مقابل برخی نیز معتقدند تمدن مورد بحث حاصل اندیشه‌ها و افکار مسلمانان است، اندیشه و افکاری که نمی‌توان میان آنها با اصول اسلامی تطابق کامل برقرار نمود و بنابراین تمدن حاصل از تلاش مسلمانان را باید تمدن مسلمین دانست نه تمدن اسلامی. به علاوه این موضوع، در مطالعات انجام شده در حوزه تمدن اسلامی هر کدام از محققان و پژوهشگران این حوزه که اندک نیز نیستند، شکوفایی تمدن اسلامی را نتیجه و ثمره عوامل گوناگونی دانسته‌اند. از جمله این عوامل می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: توجه ویژه اسلام به علم، قدرت سیاسی، تنوع فرهنگی، قدرت نظامی، اخلاق اجتماعی، ایمان و گروهی نیز در تحلیل دلایل درخشش تمدن اسلامی به مجموعه‌ای از این عوامل اشاره نموده‌اند. گرچه نمی‌توان نقش هیچ کدام از این عوامل را در تمدن اسلامی انکار نمود اما به نظر پذیرش همه آنها بدون ارائه تحلیلی صحیح و مبتنی بر اصول علمی، از چگونگی نقش هر کدام از این عوامل و نیز نسبتش با دیگر عامل‌ها چندان درست نیست. به عبارت دیگر اگر به عنوان مثال عامل علم و توجه خاص اسلام به علم را مشخصه و ویژگی اصلی تمدن اسلامی به شمار رود در این صورت باید به این نکته اذعان کرد که مقصود از تمدن اسلامی در واقع همان تمدن علمی است و اسلام جز تاکید بر دانش‌آموزی و تشویق مسلمانان به دانش نقش دیگری در تحقق آن نداشته است. یعنی در واقع نقش دین اسلام در این تمدن نقشی با واسطه است به این معنا که اسلام بر دانش اندوزی تاکید کرده و در

مرحله بعد دانش روی هم انباشته تمدنی را بوجود آورده که با عنوان تمدن اسلامی شناخته می‌شود. یا در صورت پذیرش مجموعه این عوامل باید بتوان میزان تاثیر هر کدام از آنها و چگونگی در کنار هم قرار گرفتن آنها را به خوبی تشریح و توصیف نمود.

با توجه به آنچه گفته شد. مسئله اصلی و محوری پژوهش حاضر دستیابی به ساختار و هندسه عوامل موثر در پدید آمدن و شکوفایی تمدن اسلامی و نیز میزان تطابق تمدن مذکور با سنت پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) است. سنت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) از سوئی تطابق تام و تمام با قرآن کریم دارد و از دیگر سو خود نیز به عنوان دومین منبع اسلامی مورد پذیرش همه مسلمانان است. بنابراین بهترین ملاک و معیار برای سنجش اسلامی بودن یا نبودن هر پدیده‌ای از جمله تمدن اسلامی خواهد بود. برای این منظور به تمدن اسلامی در دو حوزه تشیع و تسنن در دوره زمانی فاطمیان و عباسیان می‌پردازیم و از آنجا که خلافت عباسیان پیش و پس از فاطمیان نیز حضور و ادامه داشته به فصل مشترک این دو خلافت یعنی دوران خلافت فاطمیان (۲۹۷-۵۶۷ ه. ق) بسنده می‌شود. این تقسیم بندی و مقایسه بدین دلیل صورت می‌گیرد که در تاریخ اسلام دو نگرش عمده اهل سنت و شیعه در موضوعات گوناگون اسلامی تفاوت‌های قابل توجهی با هم داشته و دارند. این تفاوت دیدگاه در ساحت‌های عینی و ملموس گوناگونی مجال بروز و ظهور یافته و آثار برآمده از آن نقش عمده‌ای در تاریخ و نیز هویت اسلامی بر جای گذاشته است. یکی از این ساحت‌ها، ساحت تمدن سازی و حکومت داری است. طبیعتاً تطابق بیشتر و نسبت صحیح تر میان این تمدن‌ها با تمدن و سنت نبوی (صلی الله علیه و آله) نشان دهنده اصالت و صحت بیشتر اندیشه و قرائت بوجود آورنده آن و گویای این نکته است که آن دیدگاه می‌تواند در مسیر کمک به احیای تمدن اسلامی در دوران کنونی نقش پر رنگ تری ایفا نماید.

۱,۲. اهمیت و ضرورت

برای شناخت بیشتر و نیز احیای تمدن اسلامی، شناخت صحیح و عمیق اندیشه‌ها و نگرش‌های پدید آورنده آن ناگزیر است. به نظر می‌رسد گام نخست در این مسیر پاسخ به این پرسش است که تمدن مدنظر اسلام دارای چه ویژگی‌ها و ساختاری است؟ و عوامل گوناگونی چون؛ ایمان، قدرت سیاسی، قدرت نظامی، علم، مدارا و رحمت و ... چه جایگاهی در منظومه تمدن اصیل اسلامی و نیز چه نسبتی با یکدیگر دارند؟ اگر پاسخی درخور و مبتنی بر اصول علمی به این پرسش‌ها و پرسش‌های دیگری از این دست ارائه نشود، علاوه بر اینکه درک صحیح و درست تمدن اسلامی میسر نخواهد شد، نمی‌توان الگویی درست و کارآمد برای احیای آن تمدن در عصر حاضر ارائه نمود. به نظر می‌رسد یکی از شیوه‌های کارآمد برای این منظور بررسی دقیق ویژگی‌های حکومت پیامبر

گرامی اسلام حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) است. چه اعمال و کردار ایشان به عنوان بشری دارای وحی و نیز آگاه‌ترین افراد به شریعت اسلام، بی‌تردید آینه تمام نمای دین اسلام و معیار و میزان اسلامی بودن یا نبودن عملکرد همه فرقه‌های اسلامی است. فرقه‌هایی که در قرون پس از پیامبر (صلی الله علیه و آله) به قدرت رسیدند و هر کدام در تمدن اسلامی نقش آفرینی نمودند. از این میان دو جریان عمده تشیع و تسنن با همه طیف‌های گوناگونی که در دل خود داشته و دارند، در شرایط مختلف بر مسند حکومت و قدرت نشستند و کوشیدند تمدن اسلامی را بر اساس اندیشه‌ها و تلقی خویش شکل دهند. امروز جهان اسلام برای احیای سربلندی خویش علاوه بر فهم دقیق سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، باید با پالایش نتایج بدست آمده از تاریخ تمدن خویش، ساختار و الگویی اسلامی در اختیار داشته باشد که علاوه بر روزآمدی و توان پاسخگویی به چالش‌های دوران مدرن و فرامدرن، همه طیف‌های مختلف اسلامی را در بر بگیرد و راهی بگشاید برای بازتولید مجد و شوکت اسلامی. بی‌گمان یکی از مهمترین اقدامات در این زمینه سنجش و واکاوی تمدن اسلامی گذشته و انواع اندیشه‌های پدیدآورنده آن است که این پژوهش نیز می‌کوشد گامی در این جهت بردارد.

۱.۳. اهداف پژوهش

این پژوهش می‌کوشد با بررسی سنت رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) و حکومت ایشان ساختار و الگوی تمدن نبوی را بازبشناسد و با تعیین مؤلفه‌های تمدن نبوی (صلی الله علیه و آله) جایگاه هر کدام از آنها و نیز نسبتشان را با عوامل دیگر بدست آورد. همچنین با بررسی تمدن اسلامی در دوران عباسیان به عنوان اهل سنت و فاطمیان مصر به عنوان اسماعیلیان، که از فرق شیعه به شمار می‌روند، در بازه زمانی قرن چهارم هجری، ساختار و منظومه تمدنی هر کدام از این دو گروه را به دست آورده و میزان انطباق یا عدم انطباق آنها با سنت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را بررسی نماید تا از این رهگذر شاید بتوان علاوه بر به دست دادن مؤلفه‌های نظریه تمدنی اسلام برای روزگار کنونی، نقاط قوت و ضعف کوشش‌های گذشتگان را بیشتر و بهتر شناخته و زمینه بهره‌مندی هرچه بیشتر از تجربیات و دستاوردهای آنان برای تقویت نظریه تمدنی اسلام را فراهم آورد.

۱.۴. قلمرو پژوهش

الف) قلمرو مکانی: قلمرو مکانی این پژوهش، شامل حدود خلافت عباسیان و نیز محدوده قلمرو خلافت فاطمیان خواهد بود.

ب) قلمرو زمانی: دوران بعثت و عصر رسول اکرم(صلی الله علیه و آله) و نیز دوران مشترک میان خلافت فاطمیان و عباسیان در قرن چهارم هجری است.

ج) قلمرو موضوعی: سنت نبی اکرم(صلی الله علیه و آله) و سیاست‌های کلی خلافت عباسی و فاطمی

۱,۵. پرسش‌های پژوهش

۱,۵,۱. پرسش اصلی

نسبت ساختار تمدن اسلامی با سنت نبوی چیست؟ و بر اساس سنت نبوی، تمدن اسلامی در دوران فاطمیان و عباسیان چگونه ارزیابی می‌شود؟

۱,۵,۲. پرسش‌های فرعی

۱. مؤلفه‌های تمدن ساز در سنت نبوی کدام اند؟
۲. نسبت تمدن اسلامی در دوران فاطمیان و عباسیان با سنت نبوی چیست؟
۳. ساختار تمدن اسلامی در دوران عباسیان به چه شکل بوده است؟
۴. ساختار تمدن اسلامی در دوران فاطمیان چگونه بوده است؟

۱,۶. فرضیه‌های پژوهش

۱,۶,۱. فرضیه اصلی

توجه به قرآن کریم در کنار مدارای با خلق و بسط رحمت مهمترین مؤلفه ایجاد تمدن اسلامی است. اما برای تعمیق این تمدن رجوع به مفسر حقیقی قرآن (شخص نبی اکرم(ص) و اهل بیت(ع)) لازم و ضروری است. تمدن اسلامی در دوران عباسیان و فاطمیان هم تفاوت قابل توجهی با اصول تمدن ساز سنت نبوی دارد.

۱,۶,۲. فرضیه‌های فرعی

۱. خلافت نبوی در مدینه نمونه کامل و البته ابتدائی تمدن مد نظر اسلام بوده و به همین دلیل همه مؤلفه‌های موجود در سیره ایشان در ابعاد گوناگون از حیث تمدنی قابل توجه و مهم هستند.
۲. تمدن اسلامی در دوره فاطمیان و عباسیان در موارد اندکی با سنت نبوی شباهت و همخوانی داشته و در بیشتر موارد فاصله قابل توجهی با مشی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) داشته‌اند.
۳. ساختار تمدن اسلامی در دوره عباسیان در قرن چهارم در اغلب ابعاد مبتلا به کجروی و عدم تعادل بوده و تنها در برخی مؤلفه‌ها به ویژه در بعد فرهنگی علمی شاهد شکوفایی و شکوه آن هستیم.

۴. ساختار تمدن اسلامی در دوره فاطمیان در قرن چهارم در عین اینکه در برخی ابعاد دچار عدم تعادل بوده اما در مؤلفه‌های اقتصادی و اجتماعی وضعیت به سامان‌تر و شباهت بیشتری با سنت نبوی داشته است.

۱,۷. جنبه جدید بودن و نوآوری پژوهش

پژوهش حاضر می‌کوشد ابتدا ساختار تمدن اسلامی در دو حوزه شیعه و اهل سنت را بررسی نماید. مقصود از این موضوع تفاوت‌ها و شباهت‌هایی است که عوامل تمدن ساز در هر کدام از این دو حوزه با یکدیگر دارند. این امر به نوع جهان بینی و برداشتی که هر کدام از این دو گروه عمده مذاهب اسلامی، از مفاهیم اسلامی داشته و دارند مربوط می‌شود. این موضوع که برداشت‌های شیعه و اهل سنت از اسلام چه نوع اثری در تمدنی که هر کدام از این دو ساخته‌اند، داشته است تا کنون مورد توجه قرار نگرفته و یکی از جنبه‌های مهم نوآوری این پژوهش محسوب می‌شود. به علاوه در پیگیری مباحث تمدن اسلامی موضوعی که از اهمیت بالایی برخوردار است میزان تطابق این تمدن با همان چیزی است که مدنظر پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) بوده است. برای بررسی میزان این مطابقت یکی از مهمترین راهکارها، بررسی نسبت ویژگی‌های تمدن اسلامی با ویژگی‌های سنت الهی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است. این نکته نیز در تحقیقاتی که در زمینه تمدن اسلامی صورت گرفته، جایگاه چندانی ندارد و یکی از جنبه‌های نوآوری پژوهش حاضر به شمار می‌رود.